

نشانه‌شناسی ترجمه: فرآیند ترجمه به عنوان هدف تحقیق

امیررضا محمودی کوهی^۱

میلاد مرادی^۲

چکیده

فرآیند ترجمه که شامل یک خلاصه ترجمه واقع‌گرایانه است را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: همه کارهایی که مترجم از شروع کار بر روی متن زبان مبدأ تا به اتمام رساندن متن زبان مقصد انجام می‌دهد. همه چیز فراگیر است، از هر حرکت مداد و هر کلیک تا استفاده از انواع ابزار کمکی و روند کلی در تصمیم‌گیری، حل مشکلات و ایجاد اصلاحات (هانسن ۲۰۰۳: ۲۶). تحقیق در فرآیند ترجمه به یکی از زمینه‌های مطرح در مطالعات ترجمه تبدیل شده است. تحقیق در فرآیند ترجمه با استفاده از دیگر علوم ذهن مانند شناخت، مطالعات آگاهانه، پژوهش‌های مغز، باعث افزایش علاقه به فرآیندها و اقدامات ذهنی می‌شود. دانش بهتر در مورد ساختار فرآیندهای ترجمه فردی و شیوه‌های ترجمه شخصی برای آموزش مترجم و استخدام مترجمان حرفه‌ای در سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌ها و آژانس‌های ترجمه، اهمیت دارد. الزامات کلیدی که مترجمان حرفه‌ای باید رعایت کنند برتری و بازدهی کار و همکاری

^۱ کارشناسی ارشد، آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، amirrezamahmoudie@yahoo.com

^۲ کارشناسی ارشد، روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، miladmoradi1367@yahoo.com

مطلوب بین همکاران، با توجه به فرآیندهای بازنگری و مدیریت کیفیت است. دانش دقیق و درک عمیق‌تر از آنچه در طول ترجمه در ذهن مترجم رخ می‌دهد، در توسعه و بهبود ترجمه به کمک کامپیوتر و ترجمه ماشینی مؤثر خواهد بود.

واژگان کلیدی: فرآیند ترجمه، نشانه‌شناسی، چندرشتگی، ترجمه بین‌زبانی، مطالعات ترجمه

مقدمه

فرآیند ترجمه ماشینی حدود بیست و پنج سال پیش، با تلاش فراوان برای بررسی فرآیندهای شناختی مترجمان، آغاز شد. گرینکز (۱۹۸۶) یکی از پیش‌گامان این مطالعات بود که می‌خواست بداند در ذهن مترجم چه می‌گذرد. گرینکز از یک روش درون‌نگری در روان‌شناسی تجربی استفاده کرد که عبارت از بلندفکرگویی در ترکیب با مشاهده مستقیم سوژه‌ها است. بلندفکرگویی هنوز کاربردی‌ترین روش درون‌گرایی است اما از اواخر قرن گذشته، انواع مختلفی از ابزارهای الکترونیکی و برنامه‌های نرم‌افزاری همچون کلیک‌نگاری رایانه‌ای، ضبط عکس‌هایی از صفحه، ردیابی چشمی، انواع مختلفی از عکس‌برداری و اسکن کردن در دسترس قرار گرفته‌اند. در تحقیق فرآیند ترجمه بسیاری از رشته‌ها، روش‌ها، ابزارها، داده‌ها و نتایج در طرح‌های چندروشی ترکیب می‌شوند. امروزه شمار فزاینده‌ای از پژوهشگران، نشانه‌شناسی را به‌عنوان ابزاری برای پژوهش در حوزه ترجمه مطالعه می‌کنند. از منظر نشانه‌شناسی، ترجمه، کنشی نشانه‌شناختی است مشتمل بر ترجمه از یک نظام نشانه‌ای (زبان مبدأ) به نظام نشانه‌ای دیگر (زبان مقصد). دو اصطلاح «متن» و «جایگزینی»، اصطلاحاتی بنیادین در نشانه‌شناسی محسوب می‌شوند، زیرا ترجمه‌پذیری یا جایگزینی، تبدیل هر نظام

نشانه‌ای یا متن را به‌نظام نشانه‌ای یا متن دیگر ممکن می‌سازند. در واقع، چنین رویکردی به ترجمه بیشتر به دلیل چندرشتگی نه‌تنها نشانه‌شناسی بلکه رشته مطالعات ترجمه است.

تحقیق ترجمه تجربی

در یک مطالعه تجربی پژوهشگر می‌تواند بر روی بخش‌های ویژه‌ای از یک پدیده تمرکز کند و یا سعی در انجام تحقیقات جامع‌تری داشته باشد. مطالعه فرآیندهای شناختی در طول فرآیند ترجمه یافته‌های بسیاری مبتنی بر مشاهدات ذهنی در موقعیت‌های پیچیده با تعداد زیادی از متغیرها و داده‌ها به دست می‌دهد. در پژوهش ترجمه تجربی، یک هدف کلی وجود دارد که آن «اعتبار بوم شناختی»، یعنی طبیعی بودن فرآیندهای مورد بررسی است. اما حقیقتی که با آن روبرو می‌شویم این است که اطلاعات شخصی مترجمان، فرآیندهای ترجمه آن‌ها و نتایج ترجمه شامل یک شبکه پیچیده از جنبه‌های گذشته فردی مترجم، تجربیات او و متن می‌شود و همچنین است در مورد ناظر/محقق که ممکن است علایق خاصی داشته باشد. بسته به موضوع تحقیق، این مطالعه می‌تواند به‌عنوان یک مطالعه مشاهداتی در محیط‌های طبیعی یا به‌عنوان یک مطالعه آزمایشی در محیط‌های کنترل شده، انجام شود. در مطالعات تجربی، هدف به‌دست‌آوردن نتایجی در سطحی میان موضوعی است که قابلیت مقایسه بازنویسی و تعمیم را داشته باشد تا نظریه‌های توسعه‌یافته تأیید شوند و بیشتر گسترش یابند. با این حال چیزی که تمایز تجربیات و آزمایش‌ها را از فرآیندهای ترجمه انسان، با توجه به پیچیدگی آنها، مشخص می‌کند این است که آن‌ها نمی‌توانند به‌طور دقیق با همان روش تکرار شوند. در موقعیت بالفعل، بخصوص در شرایط زمانی، به دلیل تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و اثر بازآزمایی، مترجم و متن هرگز نمی‌توانند به یک‌شکل حفظ شوند.

ترجمه به‌مثابه کنشی میان‌رشته‌ای در ارتباط

به اعتقاد فلوروس^۱ (۲۰۰۵)، ترجمه با رشته‌هایی در ارتباط است که دربردارنده پژوهش‌های مقابله‌ای بین فرهنگی هستند، مانند انسان‌شناسی، مطالعات فرهنگی، ارتباطات بین‌فرهنگی،

^۱ G. Floros

مطالعات مقایسه‌ای، نشانه‌شناسی فرهنگی و جامعه‌شناسی. در گذشته، ترجمه تنها بر ماهیت دال^۱ متمرکز بود که همان اولویت بعد زبانی جامعه‌شناسی فرآیندهای ترجمه است. در نتیجه، ترجمه به صورت انحصاری فرایندی زبانی طبقه‌بندی می‌شد. اگرچه می‌دانیم ترجمه بین‌زبانی حاوی دو نوع ترجمه دیگر یعنی درون زبانی و بین‌نشانه‌ایست که همین امر ماهیت میان‌رشته‌ای ترجمه را می‌رساند. به گفته اومبرتو اکو^۲ (۲۰۰۱) ترجمه نه تنها با کفایت زبان‌شناختی در ارتباط است، بلکه با کفایت درون‌متنی، روان‌شناختی و روایت نیز پیوند دارد.

پژوهشگران ترجمه، میان‌رشته‌گی را به مفهوم نوع متن ربط می‌دهند، نه به متون فرهنگی که خود بر اساس نشانه‌شناسی‌اند. انواع متون محصولات زبان‌اند، درحالی که متون فرهنگی فقط زبانی نیستند. در فرآیند ترجمه، یک مترجم نه تنها با متون کلامی بلکه با سایر متون نشانه‌شناختی، حتی متون غیرکلامی نیز روبرو است. پتریلی^۳ و پانزیو^۴ (۲۰۱۲) به انتقال مداوم مترجم از یک متن فرهنگی به متن فرهنگی دیگر اشاره می‌کنند. به بیان دیگر فرایند بی‌وقفه ترجمه یا «انتقال رمز»، میان طیفی از حالت‌های نشانه‌شناختی است که درکی درست‌تر از بازنمایی و ارتباط به دست می‌دهد (کرس^۵ و ون‌لیون، ۱۹۹۶/۲۰۰۶).

مرزهای اصطلاح ترجمه خیلی زود توسط نشانه‌شناسان گسترش یافت، واقعیتی که پژوهشگران رشته ترجمه آن را تأیید نکردند، زیرا رویکرد خود را استعاری تلقی می‌کردند. البته به تدریج این نگرش تغییر یافت.

^۱ signifier

^۲ U.Eco

^۳ Petrilli

^۴ Ponzio

^۵ G. Kress

^۶ T. van Leeuwen

نشانه‌شناسی و ترجمه: تعاریف و مسائل

اصطلاح نشانه‌شناسی ترجمه در اوایل دهه ۱۹۸۰ توسط توری^۱ به همراه اصطلاح نشانه‌شناسی و ترجمه به کار رفت که طبق آن ترجمه فعالیتی نشانه‌شناختی توصیف می‌شد که این امر به معنای رد هر نوع پژوهش میان‌رشته‌ای در این حوزه بود. بعدها، گورلی^۲ (۱۹۹۴) با استناد به اثر فیلسوف آمریکایی، چارلز سندرس پرس^۳، اصطلاح ترجمه نشانه‌ای را معرفی کرد با این توضیح که باید معناشناسی منطقی نشانه‌شناسی را نمونه‌ای از ترجمه نشانه‌ها تلقی کنیم. در همین زمان، پتر تروپ (۱۹۹۴)، یکی از سردمداران رویکرد نشانه‌شناختی به ترجمه در این روزها، از نشانه‌شناسی ترجمه و ترجمه نشانه‌شناختی صحبت به میان آورد. هستان‌شناسی نشانه‌شناسی ترجمه بر این شناخت استوار است که فرهنگ از بسیاری جهات به‌عنوان سازوکار ترجمه عمل می‌کند. همان‌طور که بعدها نیز نشان داده می‌شود، این واقعیت که ترجمه با فرهنگ شناخته می‌شود، جان کلام حوزه نشانه‌شناسی فرهنگی است. اومبرتو اکو و نرگارد^۴ (۱۹۹۸/۲۰۰۱) رویکردی محتاطانه‌تر نسبت به نشانه‌شناسی ترجمه اتخاذ کردند. آنها ترجمه را عبور از متن (الف) که بر اساس نظام نشانه‌ای الف ارزیابی شده به متن (ب) که بر اساس نظام نشانه‌ای ب ارزیابی شده تعریف کرده‌اند. اصطلاح اکو و نرگارد توسط گویدر^۵ (۲۰۰۸) نیز به‌کاررفته است، کسی که ادعا می‌کند رویکرد نشانه‌شناختی این مزیت را دارد که جهان‌های گوناگون را با ابزارهای مفهومی مناسب دست‌کاری می‌کند زیرا به مترجم اجازه می‌دهد

¹ G.Toury

² D. Gorfée

³ C. S. Peirce

⁴ S. Nergaard

⁵ M. Guidère

نشانه‌های برخاسته از نظام‌های گوناگون را درهم آمیزد. حتی بعدها تروپ (۲۰۰۸) مدعی می‌شود که نشانه‌شناسی ترجمه در آغاز راه تبدیل به یک رشته واحد شده است، گرچه در آغاز صعود ناگهانی این رشته را زمینه‌ای برای تغییرات کلی در نگرش‌ها به مشکلات ترجمه می‌داند چرا که مترجم را آزاد می‌گذارد تا نشانه‌های نظام‌های گوناگون را در هم ادغام کند. به تازگی نیز آخرین شماره مجله مطالعات نظام نشانه^۱ (۲۰۱۲) نیز اصطلاح نشانه‌شناسی ترجمه را پذیرفته که نشان از غالب بودن این اصطلاح دارد. بسیاری از پژوهشگران معتقدند تمایل نشانه‌شناسی در حوزه ترجمه به زبان‌شناس روسی، به رومن یاکوبسون^۲ (۱۹۵۹) و پژوهش او با عنوان «در باب جنبه‌های زبان شناختی ترجمه» بازمی‌گردد. یاکوبسون ترجمه را نوعی گفتمان غیرمستقیم می‌داند زیرا شامل دو پیام هم‌ارز در دو رمزگان متفاوت است. از نظر اکو و نرگارد (۱۹۹۸/۲۰۰۱)، ارتباط ترجمه با مفهوم تفسیر بازتاب‌دهنده تأثیر پرس است. شماری از نشانه‌شناسان معتقدند آراء یاکوبسون درباره ترجمه برگرفته از آرای یلمزلو^۳ (۱۹۶۳) است که در میان سایر نظام‌های نشانه‌ای، جایگاه خاصی برای زبان قائل است. لوتمان^۴ (۱۹۹۰) نیز با ادعای چالش‌برانگیز خود بر حوزه نشانه‌شناسی ترجمه تأثیر گذاشت، با این مضمون که ترجمه همان کنش بنیادین تفکر است و گفتگو سازوکار بنیادین ترجمه به شمار می‌رود. ایده‌های لوتمان بسیار مورد پسند پژوهشگران رشته ترجمه مانند زوهر^۵ و توری قرار گرفت که آنان نیز همانند لوتمان از فرمالیسم روسی الهام گرفته بودند. طبق گفته اکو (۲۰۰۳) برخی از مفاهیم معاصر در مطالعات ترجمه مانند واژه هم‌ارز، وفاداری به متن یا نوآوری مترجم امروزه تحت

^۱ *sign system studies*

^۲ Jakobson

^۳ Hjelmslev

^۴ Lotman

^۵ Zohar

بررسی است. به عقیده وی ترجمه بر اساس فرایند مذاکره صورت می‌گیرد که در آن از دست‌دادن چیزی را در ازای به‌دست‌آوردن چیز دیگر می‌پذیریم. تروپ (۲۰۰۰) تقسیم‌بندی سه‌گانه یاکوبسون را نقطه آغازی برای رویکرد نشانه‌شناختی به ترجمه می‌داند. در همین مرحله بود که ترجمه به‌وضوح با نشانه‌شناسی پیوند یافت. طبق تقسیم‌بندی یاکوبسون (۱۹۵۹) برای تفسیر نشانه‌های کلامی با سه شیوه روبرو هستیم:

(۱) ترجمه درون زبانی یا بازنویسی، یعنی تفسیر نشانه‌های کلامی به‌واسطه دیگر نشانه‌های همان زبان،

(۲) ترجمه بین‌زبانی یا ترجمه فی‌نفسه، یعنی تفسیر نشانه‌ها به‌واسطه زبانی دیگر و

(۳) ترجمه بینا نشانه‌ای یا تبدیل، یعنی تفسیر نشانه‌های کلامی به‌واسطه نشانه‌های نظام‌های نشانه‌ای غیرکلامی.

تروپ (۲۰۰۲) بر اهمیت نقش ترجمه در تولید فرهنگ تأکید داشته و به تفسیر نشانه‌شناختی نظریه ترجمه اشاره دارد.

امروز مهم‌ترین نظریه نشانه‌شناسی ترجمه در مکتب نشانه‌شناسی تارتو -مسکو جاری است. تاکنون، برجسته‌ترین شخصیت این مکتب، تروپ، پژوهشگر آثار و آرای لوتمان بوده که از نزدیک در بنیان‌گذاری و توسعه این مکتب نشانه‌شناسی نقش داشته است. تروپ مفهوم سپهر نشانه‌ای لوتمان را برای ترجمه پذیرفت تا محدودیت‌های آن را نه به‌عنوان عاملی محدودکننده بلکه به‌عنوان سازوکاری که پیام‌های خارجی را به زبان داخلی سپهر نشانه‌ای ترجمه می‌کند، شرح دهد. مفهوم سپهر نشانه‌ای لوتمان هم‌زمان با زبان و ترجمه، پیوند می‌یابد زیرا سپهر

نشانه‌ای، شبکه درهم پیچیده‌ای که شامل متن، مکان و فرهنگ است را با این ایده تعامل زبانی و ترجمه‌پذیری درونی کامل می‌کند. مکتب نشانه‌شناسی ترجمه پرس بر اساس این ادعای پرس شکل گرفت که تفسیر پیش از ترجمه محقق می‌گردد؛ بنابراین ترجمه بخش کانونی نشانه و نشانه‌شناسی است که فرآیند ترجمه را تشکیل می‌دهند. اما مکتبی که کمتر مورد توجه قرار گرفت مکتب فرانسوی در حوزه نشانه‌شناسی ترجمه بود که بسیار تحت تأثیر آرای گریماس^۱ قرار دارد. مکتب نشانه‌شناسی پاریس بر اساس نشانه‌شناسی اجتماعی به‌عنوان نظریه‌ای برای تولید و جستجوی معنا در کنش شکل گرفت. در این مکتب هر زبان نظامی از روابط در نظر گرفته می‌شود که عناصر آن مانند آواها، واژه‌ها و ازاین‌دست مستقل از روابط هم‌ارز و تقابلی میان آنها، سندیت ندارند. اکو از هر سه مکتب تأثیر پذیرفت و بر محوریت فرایند ترجمه در ارتباط فرهنگی تأکید کرد.

روش‌ها و ابزار تحقیق

تحقیقات تجربی بر پایه داده‌هایی است که به شکل نظام‌مند از درک و مشاهده جنبه‌های واقعیت، برگرفته شده است. در یک پروژه تحقیقاتی، جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل و تفسیر متضمن انتخاب‌هایی باتوجه به کفایت روش‌ها و ابزارها در رابطه با کلیت پرسش پژوهش و قدم‌های زیرساختی تحقیق حائز اهمیت است. در تحقیق فرآیند ترجمه روش‌های کمی و کیفی در انواع مختلفی از ترکیبات و مثلث‌بندی مورد استفاده قرار می‌گیرند. این تفسیرها از رویکردهای اول‌شخص هستند به‌عنوان مثال گزارش‌های مردم درباره زندگی‌شان، تجارب و مشاهدات،

^۱ Greimas

تعاملات و احساسات. فرض بر این است که فردی که یک پدیده را تجربه می‌کند می‌تواند توصیف دقیقی نیز از آن ارائه دهد. تحقیقات کیفی تلاش برای درک یک پدیده است و بسیاری از متغیرها را در نظر می‌گیرد از جمله مطالعه جامع، تفسیر پدیده از نظر معنایی که افراد به آن‌ها می‌دهند، جستجوی روابط سببی و توضیحات. برخلاف آن تحقیقات کمی بر اساس ایده‌ها و فرضیات محقق در مورد ابعاد مشاهده و مقوله‌ها قابل ارزیابی است. اغلب یک پدیده در نمونه‌های بزرگ مجزا و بررسی شده است. یک روش مهم کمی برای تجزیه و تحلیل داده‌های فرآیند، آمار است. انتخاب روش‌های کمی و کیفی و تصمیم‌گیری درمورد ترکیبی از روش‌ها باتوجه به موضوع خاص مورد مطالعه تحقیق، انجام می‌گیرد. بااین‌حال، از آنجاکه داده‌های کیفی را می‌توان کدگذاری کرد و شمرد به‌عنوان داده‌های کمی و نتایج همیشه باید تفسیر شوند و هر دو جنبه همیشه حاضر خواهند بود.

روش‌های درون‌نگری

در مطالعات فرآیند ترجمه تجربی، اغلب روش‌های کیفی و بلندفکرگویی که یک گزارش کلامی هم‌زمان است، بکار گرفته می‌شوند. بازنگری گزارشی است که بعد از این فرآیند کمی مورد استفاده قرار گرفته است؛ مشابه با شیوه‌نامه‌های ترجمه هرزمان که در آن دو نفر یا گروهی از مترجمان هنگام ترجمه متن با یکدیگر صحبت می‌کنند. با پروتکل‌های بلندفکرگویی، انتظار می‌رود که ادراک، افکار و احساسات در طول فرآیند به‌صورت کلامی بیان گردند.

درون‌نگری توسط بنیان‌گذار تجربی و روان‌شناسی ویلهلم وندت معرفی شد و از ابتدا اعتماد به روش‌ها مورد بحث قرار گرفته است. سؤالاتی که پرسیده شده بود این بود: آیا در حقیقت این گزارش‌ها بازتاب فرایندهای ذهنی هستند و آیا آنها تأثیری بر این فرآیندها دارند؟ در مطالعات

آگاهانه، استدلال می‌شود که رویکردهای اول‌شخص (از دیدگاه فاعل) داده‌هایی را فراهم می‌کنند که نمی‌تواند از دیدگاه سوم‌شخص (ناظر) به دست آید و به هر دوی آنها نیاز است چون آنها مکمل و غیر قابل تقلیل هستند (ولمنز ۳۳۴: ۲۰۰۰). با توجه به درون‌نگری در تحقیق فرآیند ترجمه، در حالت عادی محققان بر کارهای استاندارد روان‌شناسان شناختی همچون اریکسون و سایمون (۱۹۹۳)، در مورد گزارش‌های کلامی به‌عنوان داده و در مورد مزایا و مضرات روش‌های مختلف، متکی هستند. ادعای آنها این است که بلندفکرگویی و گزارش‌های بازنگری نمی‌تواند بر رشته افکار تأثیر بگذارد. در مطالعات مربوط به بلندفکرگویی، در طول آزمایش‌ها، محققان تلاش می‌کنند تا تعامل اجتماعی بین سوژه‌ها و ناظر را تا حد امکان حذف کنند، زیرا اگر این دو تعامل داشته باشند، سوژه سعی خواهد کرد که گزارش کلامی را با هنجارهای اجتماعی تطبیق دهد و این می‌تواند داده‌های واقعی ذهنی را تحریف کند. همان‌طور که اریکسون و سایمون می‌گویند: بیان کلامی اجتماعی ممکن است به طور کامل متفاوت از توالی افکار ایجاد شده توسط خود افراد در حین حل مشکلات، انجام اقدامات و انجام ارزیابی‌ها و تصمیم‌گیری باشد. ناظران حین اجرای آزمایش‌های بلندفکرگویی می‌بایست حضور داشته باشند، اما باید نامحسوس باقی بمانند. به‌منظور افزایش تولید داده‌های کلامی، اریکسون و سایمون، برای وادار کردن سوژه‌ها به حرف‌زدن، استفاده از توصیه و تذکر را به کمک اصطلاحاتی همچون «ادامه دهید» یا «به چه فکر می‌کنید» مطرح می‌کنند. نظر آنها این است که اگر نگوییم هیچ تأثیری، تأثیری بسیار اندک بر پردازش سوژه‌ها می‌تواند داشته باشند. برای بسیاری از مترجمان طبیعی به نظر نمی‌رسد که در طول ترجمه شان صحبت شود. همان‌طور که توسط هانسن مشاهده شد، ویژگی‌هایی مانند سابقه زبانی مترجم و جهت ترجمه، بر قابلیت

کاربرد بلندفکرگویی و کیفیت و غنای داده‌ها تأثیر دارند. پروتکل‌های گفتگو که در آن هر دوی مترجمان طی فرآیند ترجمه با یکدیگر صحبت می‌کنند یا پروتکل‌های ترجمه مشترک زمانی که کار گروهی انجام می‌دهند، گزارش‌های کلامی هم‌زمان هستند. هاوس (۱۹۸۸)، کو سمانول (۱۹۹۵)، سگوینوت (۱۹۹۶)، این نوع از فرآیند تحقیق را معرفی کردند، آن‌ها دریافتند که شرایط گفتگو مقدار بیان کلامی را افزایش می‌دهد و این داده‌ها بسیار طبیعی‌تر و غنی‌تر از داده‌هایی هستند که به طور انحصاری در بلندفکرگویی به دست می‌آیند. کو سمانول همچنین برخی مضرات این روش را بیشتر به دلیل مشکلات اجتماعی و تعاملات روان‌پویشی می‌داند. به‌تازگی این روش توسط ایپاولویک (۲۰۰۷؛ ۲۰۰۹) اعمال شد که با استفاده از ترجمه مشارکتی و ضبط ویدئویی با افرادی که در کار تیمی آموزش‌دیده بودند، پروژه‌ای را انجام داد. ایپاولویک بود که عبارت «شیوه‌نامه‌های ترجمه مشارکتی» را برای پروتکل‌های به‌دست‌آمده از این نوع پروژه پیشنهاد کرده است. بازنگری، گزارشی که پس از انجام فرآیند رخ می‌دهد، بر طبق روایات کمتر قابل اطمینان است. سوژه‌ها می‌توانند مشکلات، راهبردها و تصمیمات خود را از یاد ببرند و تمایل دارند که مشاهدات خود را از فرآیندهای ترجمه تحریف کنند. از آنجا که فرآیند ترجمه شامل فرآیندهای فکری هم‌زمان بسیاری است، پس از اتمام کار، یادآوری بخش‌ها به‌صورت مجزا دشوار است. ریسک فراموش کردن، تحریف و داده‌های ناقص در اثر فاصله کار و گزارش بازنگری افزایش می‌یابد. با استفاده از عملکرد نرم‌افزار که در آن همه فرآیندها را می‌توان مثل یک فیلم نشان داد، روش بازنگری بیشتر مورد اطمینان شده است. (بازنگری و بازپخش را می‌توانید در بخش بعدی مشاهده کنید.) به‌تازگی به این روش بازنگری پیاپی گفته‌اند. گزارش یکپارچه از مسئله و تصمیم که توسط گایل مطرح شد یک روش دیگری از درون‌نگری است. از

مترجمان درخواست می‌شود تا هر مشکلی که طی فرآیند ترجمه با آن مواجه می‌شوند و تلاشی که در حل آن انجام داده‌اند و راه‌حلی که اتخاذ کرده‌اند را گزارش دهند. همچنین از آنها خواسته می‌شود به طور خاص منابع کاملی را که برای حل مشکلات خود استفاده کرده‌اند نشان دهند. گایل چندین مزیت این روش را در آموزش مترجم با عنایت به گزارش یکپارچه مسئله و تصمیم برای اهداف تحقیق توصیف می‌کند. او احتیاط بیشتری به عمل می‌آورد، به خصوص به این دلیل که گزارش نیازمند تلاش و زمان است و دانش‌آموزان همیشه نمی‌توانند به طور کامل برای انجام به آن تکیه کنند. مقایسه دو روش درون‌گرایی، گزارش و بازپخش توسط (هانسن ۲۰۰۶) داده شد، جایی که در آن، تأثیر آن‌ها بر فرآیندها و غنای اطلاعات در خصوص مشکلات و تصمیمات مورد آزمایش و مقایسه نظام‌مند قرار گرفتند. پرسش‌هایی که در رابطه با انتخاب و کاربرد روش‌های درون‌گرایی به طور مکرر مطرح شدند عبارت‌اند از: ما چه چیزی را با استفاده از این روش‌ها را کشف می‌کنیم، چگونه می‌توانیم روند ترجمه را تحت شرایط طبیعی مشاهده کنیم و چگونه می‌توانیم اعتبار بوم شناختی آزمایش‌ها را ارتقا دهیم؟

نرم‌افزار و داده‌های کمی

درون‌نگری اغلب با مشاهدات از طریق کلیدنگاری کردن رایانه‌ای نظیر ترنس لاگ، (جیکبسن و اسکو ۱۹۹۹) پروکسی (پیست) و اینپوت لاگ (ون میست و لیجتن ۲۰۰۶)، ادغام می‌شود. با نرم‌افزاری مانند ترنس لاگ، فرآیند ترجمه - یا بهتر بگوییم فرآیند نگارش - می‌تواند بدون تأثیر زیاد بر رفتار معمول مترجم تحت نظارت قرار گیرد. نرم‌افزار اطلاعات کمی در مورد فرآیند ارائه می‌دهد. برای مثال، تمامی حرکات مکان‌نما، تغییرات و اصلاحات و همچنین موقعیت و طول فازها و مکث‌ها. ملاحظه این اطلاعات در فایل ورودی ثبت می‌شوند. آن‌ها به‌طور کلی

داده‌های علمی هستند و می‌توان آن‌ها را شمرد و ارزیابی کرد اما هنوز باید طبقه‌بندی، کدگذاری و تفسیر شوند. مزیت دیگر نرم‌افزار برای تحقیقات فرآیند این است که انجام آزمایش‌ها تحت انواع مختلف محدودیت‌های زمانی مناسب می‌سازد (مراجعه به هانسن ۲۰۰۶). از طریق نرم‌افزاری که عملکرد بازپخش را دارد، فرآیند نگارش به‌صورت پویا در صفحه نمایش داده می‌شود. همان‌طور که پیش از این در فرآیند تحقیق پیشین ذکر شد، بازنگری خیلی کمتر قابل‌اعتماد بود. ترکیبی از بازنگری با عملکرد بازپخش (گزارش + بازپخش)، روش بازنگری را قابل اطمینان‌تر کرده است، به این دلیل که تأثیر بازشناسی (الیس ۱۹۹۵: ۲۲۰) می‌تواند به کار گرفته شود. مترجمان به محض این که نوشتار خود و فرآیندهای بازبینی را بر روی صفحه می‌بینید، شروع به اظهارنظر درباره آن می‌کنند. یک مزیت گزارش + بازپخش این است که غیرتهاجمی به نظر می‌آید. بازپخش، تأثیر بسیار بهتری نسبت به نشانه‌های بازبینی با بلندفکرگویی دارد و باعث می‌شود که کاراکترهایی همچون «به صحبت کردن ادامه دهید» ضرورت نداشته باشد. همان‌طور که آزمایش‌های کنترل شده نشان داده‌اند (هانسن ۲۰۰۶) ناظر می‌تواند در طول بازنگری و بازپخش اتاق را ترک کند. در فایل‌های ورودی، ابتدا جنبه‌های زمان برای مثال، مکث‌ها و فازها (مانند مرحله آماده‌سازی فاز، فاز پیش‌نویس یا فاز بازبینی) که علاوه بر تغییرات و اصلاحات نشان داده شده است، هیچ یا حداقل اطلاعاتی در مورد فرآیندهای شناختی مترجمان وجود ندارد؛ برای مثال، آنچه آن‌ها در طول وقفه‌ها یا فازها منعکس می‌سازند یا آنچه منابع و کمک‌ها به آن اشاره می‌کنند (بخصوص اگر چاپ شده باشد). هنوز نمی‌توانیم بدانیم در ذهن سوژه‌ها چه می‌گذرد. در بسیاری از مطالعات، از بلندفکرگویی انتظار می‌رود که این مشکل را دست‌کم تا حدودی برطرف سازد. اما این سؤال که آیا بلندفکرگویی بر

طبیعی بودن فرآیند ترجمه تأثیر می‌گذارد، حل نمی‌شود. این موضوع توسط دیگران، جیکبسن (۲۰۰۳)، جاسکلفیان (۲۰۰۲)، هانسن (۲۰۰۵) و گوفریچ (۲۰۰۹) مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. علاوه بر بلندفکرگویی و کلیدنگاری رایانه‌ای، روش‌های دیگری همانند ضبط ویدئو (لورنزو، ۱۹۹۹) و روشی در زمینه روان‌شناسی، تصویرهای یک‌طرفه با لینک صوتی نیز اعمال شده است. به تازگی چندین ابزار نامرئی، کمتر تهاجمی برای ورود به صفحات و یک مکمل مفید برای کلیدنگاری کردن در دسترس قرار گرفته‌اند. ضبط عکس از تمامی صفحات و تغییراتی که در صفحه کامپیوتر، نشان می‌دهد که شرکت‌کنندگان از اینترنت و لغت‌نامه‌های الکترونیکی استفاده می‌کنند.

صفحه‌نگاری پیشرفت قابل توجهی داشته است. بدون این نرم‌افزار، ثبت استفاده‌های شرکت‌کنندگان از کمک‌های الکترونیکی دشوار بوده است. روش جدیدتر در تحقیق فرآیند ترجمه، ردیابی چشمی است؛ روشی در روان‌شناسی و پژوهش درباره مغز. ردیابی چشمی، اطلاعاتی در مورد دقت نگاه و ثبات چشمی را در فواصل زمانی هزارم ثانیه‌ای ثبت می‌کند. تمامی حرکات، نگاه و فعالیت‌ها را زیر نظر می‌گیرد. ناظران سعی دارند بفهمند که چه کلمه‌ای یا چه بخشی از متن نظر یک فرد را در هر لحظه خاص جلب می‌کند. آنچه محققان به آن علاقه‌مندند مسائلی از این دست هستند، به عنوان مثال، زمان خیرگی ممتد، مدت زمان تثبیت، بخش‌هایی از متن که مدت زمان تثبیت آن‌ها بیش از حد متوسط است که مدت ثبات را به دست می‌آورند، شمار بازثبت در فرآیند تحقیقات، و ردیابی چشمی، گاهی با کلیدنگاری همراه است (به عنوان مثال نگاه به آن ۲۰۰۶؛ درگ استد ۲۰۱۰). روش‌های دیگری مانند مطالعه اندازه مردمک چشم و فعالیت چشمی هنگام انجام یک کار، ردیابی چشم و فرآیندهای مغزی را

ثبت می‌کنند (براین ۲۰۰۸؛ کافری ۲۰۰۸) و فرض بر آن است که حرکات مردمک نشان‌دهنده فعالیت‌های شناختی است. در حال حاضر در اغلب پروژه‌ها، ردیابی چشمی با استفاده از نرم‌افزار آنالیز کلییر ویو در ترکیب با نرم‌افزار توبی ۱۷۵۰ یا مدل جی‌وی‌ام که توسط اسپاکوف با هدف ترکیب نگاه با متن ایجاد شده، اجرا می‌شود. داده‌های مربوط به ردیابی چشمی را می‌توان با استفاده از نرم‌افزار کامپیوتری که توسط پروژه بین‌المللی نگاه به آن (۲۰۰۶) توضیح داده شد، توصیف و تحلیل کرد. هدف از این پروژه ادغام چندین تکنولوژی مانند ردیابی چشمی، کلیدنگاری کردن و سیستم برنامه‌ریزی منابع سازمانی که یک سیستم مدیریت کسب و کار است و می‌تواند تنوع زیادی از داده‌های مختلف را مدیریت کند است.

EEG^۱ ابزاری است که در ترکیب با ردیابی چشمی و کلیدنگاری رایانه‌ای انتظار می‌رود که عملکرد مترجمان حرفه‌ای را بهبود بخشد (نگاه به آن ۲۰۰۶). EEG اندازه‌گیری فعالیت‌های الکتریکی تولید شده توسط مغز است که از الکترودهای روی پوست سر ثبت شده است. در واقع الکترودهای روی پوست سر بر روی قسمت‌های مختلف مغز قرار داده می‌شوند تا الگوهای فعالیت الکتریکی را شناسایی و ثبت کنند.

اعتبار بوم‌شناختی

روش‌های کیفی و ابزارها را می‌توان بر اساس درجه تأثیر آن‌ها بر اعتبار بوم‌شناختی و آزمایش طبقه‌بندی کرد. روش‌های کیفی مانند پرسش‌نامه‌ها، پیش‌وپس پردازش، مصاحبه‌ها و گفتگوهای پس از پردازش بازنگری+بازپخش را می‌توان کمتر تهاجمی پنداشت. همچنین

^۱ الکترونگاری مغزی

نرم‌افزاری که داده‌های کمی مانند کلیدنگاری رایانه‌ای و صفحه‌نگاری و ردیابی چشمی را فراهم می‌کند، به یقین بر این فرآیند تأثیر نمی‌گذارد، زیرا مترجم متوجه حضور نرم‌افزار نمی‌شود. بیان کلامی هم‌زمان مانند بلندفکرگویی، به صورت فردی یا جمعی تأثیر می‌گذارد زیرا به استثنای برخی موارد، این یک وضعیت طبیعی نیست. همانند موردی با گزارش یکپارچه از مسئله و تصمیم. درمورد ضبط ویدئو، محققان تجارب متفاوتی دارند که این می‌تواند بر روی فرآیند تأثیر بگذارد چرا که برخی سوژه‌ها احساس معذب بودن می‌کنند. ای‌ای جی یک روش خارج از اراده و اختیار است که نمی‌تواند هدف اعتبار بوم‌شناختی باشد.

نتیجه‌گیری

علی‌رغم آنکه برخی از پژوهشگران، حوزه نشانه‌شناسی ترجمه را یک رشته جدید، یک فعالیت، یک منظر جایگزین یا متفاوت، یا یک رویکرد می‌دانند، معتقدم این حوزه را باید یک رویکرد دانست؛ رویکردی نشانه بنیاد به فرایند ترجمه. رویکرد نشانه‌شناختی به ترجمه در گام اول ما را به سپهر متون و گفتمان‌ها هدایت می‌کند که پیش‌فرض آن همزیستی، تعامل و حتی مواجهه با نظام‌های نشانه‌شناختی و فعالیت‌های دلالت‌گر دیگر است. این نظام‌ها که فراتر از مرزهای زبان شناختی رفته‌اند، در رمزگان‌ها و ترکیبات مختلفی خود را نشان می‌دهند. روشن است که سرشناس‌ترین چهره‌ها در این حوزه پرس، لوتمان، یاکوبسون و اکو هستند، گرچه در اغلب موارد از ایده‌های یکدیگر تأثیر پذیرفته‌اند. بنابراین تعجب‌آور نیست که لوتمان ترجمه را به مثابه گفتگو می‌داند و اکو از مذاکره در ترجمه و فعالیتی که در گفتمان رخ می‌دهد سخن می‌گوید؛ همان‌طور که اکو بر کتاب لوتمان (۱۹۹۰) که بسیار از آن تأثیر پذیرفته مقدمه

می‌نویسد و وقتی از رده‌شناسی پیشنهادی خود که آشکارا تحت تأثیر پرس است، در باب ترجمه سخن می‌گوید، آرای یاکوبسون را نقطه آغاز رویکرد خود به این حوزه معرفی می‌کند.

منابع

- Eco, U. 2001. *Experiences in translation*. Toronto: University of Toronto Press.
- Eco, U. 2003. *Experiences in translation. Saying almost the same thing*. [μpe...e. pet.f.as.....ta. s.ed.. t. .d..]. Athens: Ellinika Grammata.
- Eco, U., and S. Nergaard. 2001/[1998]. *Semiotic approaches*. In *Routledge encyclopedia of translation*, ed. M. Baker, 218–222. London: Routledge.
- Floros, G. 2005. *Critical reading: The case of culture in translation studies*. *Forum* 3 (2): 59–84.
- Gorlée, D. 1994. *Semiotics and the problem of translation. With special reference to the semiotics of Charles S. Peirce*. Amsterdam: Rodopi.
- Gorlée, D. 2004. *On translating signs: Exploring text and semiotranslation*. Amsterdam: Rodopi.
- Greimas, A., and J. Courtés. 1993. *Sémiotique. Dictionnaire raisonné de la théorie du langage*. Paris: Hachette.
- Guidère, M. 2008. *Introduction À la traductologie*. Bruxelles: De Boeck.
- Hjelmslev, L. 1963/[1946]. *Prolegomena to a theory of language*. Madison: University of Wisconsin.
- Jakobson, R. 1959. *On linguistic aspects of translation*. In *On translation*, ed. R. A. Brower, 232–239. Cambridge: Harvard University Press.
- Kress, G. and T. van Leeuwen. 2006/[1996]. *Reading images. The grammar of visual design*. London: Routledge.

Lotman, Y. 1990. *Universe of the mind. A semiotic theory of culture*. London: Tauris.

Lotman, Y. 2005/[1984]. On the semiosphere. *Sign systems studies* 33 (1): 205–229.

Petrilli, S. and A. Ponzio 2012. Iconicity, otherness and translation. *Chinese Semiotic Studies* 7 (1): 11–26.

Peirce, Ch.-S. 1931–1948. *Collected papers*. Cambridge: Harvard University Press.

Torop, P. 1994. Semiotics of translation, translation of semiotics. *Russian Literature* 36 (4): 427–434

Torop, P. 2000. Towards the semiotics of translation. *Semiotica* 128 (3): 597–609.

Torop, P. 2002. Translation as translating as culture. *Sign Systems Studies* 30 (2): 593–605.

Torop, P. 2008. Translation and semiotics. *Sign Systems Studies* 36 (2): 253–257.

Torop, P. 2010. Culture and translation. *Applied Semiotics/Sémiotique Appliquée* 24:1–21

Torop, P. 2011. History of translation and cultural autotranslation. In *Between cultures and texts. Itineraries in translation history*, eds. A. Chalvin, A. Lange, and D. Monticelli, 21–31. Frankfurt: Peter Lang.

Toury, G. 1994/[1986]. Translation: A cultural-semiotic perspective. In *Encyclopedic Dictionary of Semiotics*, vol. 2, ed. T. Sebeok, 1111–1124. Berlin: Mouton de Gruyter.